

# به مناسبت ۱۱ اردیبهشت روز جهانی کارگر

اعلام موجودیت «هسته کارگران پیشتاز سوسیالیست نفت فلاتقاره»



با سلام و عرض تبریک این روز بزرگ به همه همکاران عزیز در نفت فلاتقاره. ما، به‌عنوان «هسته کارگران پیشتاز سوسیالیست نفت فلاتقاره»، تصمیم گرفتیم که روز جهانی کارگر را به‌عنوان روز ۱۱ اردیبهشت ۱۴۰۳ اعلام موجودیت خودمان انتخاب کنیم. دلیل هم داشتیم. این روز یادآور خاطره مبارزات کارگرهایی بود که برای تغییر کار از ده و دوازده‌ساعت به هشت‌ساعت دست به‌مبارزه زده بودند. البته همان‌طور که می‌دانید آن کارگران را به گلوله بستند و کشتند. سرمایه‌دارها وقتی پای منافعتشان به‌میان می‌آید حتی به کس و کار خودشان هم رحم نمی‌کنند، ولی آیا توانستند این خواسته را بکشند. مگر می‌شود همه کارگرها را کشت. کارگران باز به‌مبارزه خود ادامه دادند. دستگیر شدند، اخراج شدند و به‌زندان رفتند اما سرانجام کارفرماها را وادار کردند که این مطالبه را به‌عنوان یک حق قانونی در قوانین کار خود بگنجانند. اگرچه این پایان ماجرا نیست.

کارگران در ۱۱ اردیبهشت میراث بزرگی برای ما به‌جا گذاشتند، میراثی که از میان دود باروت و خون‌آتش به‌دست ما رسید و آن میراث این است: رسیدن به‌مطالبات و بهبود شرایط و در انتها پیروزی ما کارگران بدون مبارزه و جان‌فشانی امکان‌پذیر نیست. اگرچه آن‌هایی که در راه تثبیت ۸ ساعت کار جان خود را از دست دادند، نتیجه آن‌را بلافاصله ندیدند، اما از ثمره فداکاری‌ها و مبارزات آن‌هاست که امروز ۸ ساعت کار به‌عنوان یک اصل پذیرفته‌شده است؛ البته بگذریم از این‌که حتی امروز هم کارگران را با هزارویک جور حقه و تهدید مجبور به اضافی‌کاری می‌کنند و در پاره از جاها حتی دستمزد آن اضافی‌کاری هم پرداخت نمی‌شود.

هدف این هسته چیست؟ هدف ما مبارزه در راه کسب و تثبیت حقوقیست که ظرف حداقل ۳۰ ساله گذشته همه ما کارگران ایران به‌نوعی درگیر آن بودیم و تا امروز هم موفق به وصول آن نشدیم. تجربه ما در ظرف این چنددهه گذشته نشان داد که کارفرما و دولت هرگاه که ما اعتراض کردیم و به‌شکلی مسالمت‌آمیز درخواست‌هایمان را به در خانه وزرا و وکلا و مجلس بردیم پاسخ دیگری به‌جز سرکوب و فشار بیشتر نصیب ما نکرد. ما طی این سی‌سال به‌زحمت قدمی به‌جلو برداشتیم. آیا کسی بین ما کارگرها وجود دارد که بتواند بگوید وضعیت ما در مقایسه با ده، یا بیست سال گذشته بهتر شده است. وضع ما بهتر نشد اما فهم و آگاهی ما بالاتر رفت. ما فهمیدیم که با علنی‌کاری و چانه‌زدن بر سر چندرغاز اضافه حقوق تا زمانی که تورم کنترل نشده باشد، نه تنها ما را به‌جایی نمی‌برد، بلکه شرایط ما روز به روز بدتر هم می‌شود. ما فهمیدیم که کارخانه دست دولت باشد یا دست صاحب‌کار خصوصی، زندگی ما همین خواهد که هست. از وقتی که دولت صنایع را به‌بخش خصوصی واگذار کرد، چه اتفاقی افتاد؟ ما افتادیم زیر دست پیمان‌کارهای بی‌عاطفه‌ای که تا دینار آخر شیره جان ما را می‌کشند و آخرکار هم مانند آن کارگری که برای چندروز از گوشه میدان استخدام شده باشد تپیبایی در کونمان می‌زند و ما را از نان خوردن می‌اندازد. ریش دست آن‌هاست و چیچی هم دست آن‌ها؛ ما فقط فعال مایبشاء هستیم. ماشین‌های پول‌سازی.

فهمیدیم تاوقتی‌که پاره‌پاره و مجزا باشیم وضع همین است که می‌بینیم. ما اجازه تشکیلات نداریم و اگر کارگری دم از تشکیلات بزند روانه زندان می‌شود. کارگران پیمانکاری در شرایط سخت جنوب مانند برده‌های عهد عتیق در خوابگاه‌هایی نگاهداری می‌شوند که ابد شایسته شان یک کارگر که تمام روز عرق می‌ریزد نیست. ما از تبعیض و

نورچشمی‌بازی به‌تنگ آمده‌ای و وقتی می‌بینیم کارگری تحت عنوان رسمی و انجام کاری به‌مراتب آسان‌تر حدااقل دوبرابر ما حقوق می‌گیرد، دندان روی هم فشار می‌دهیم؛ گویا نان‌وبنشن ما ارزان‌تر فراهم می‌شود و یا این‌که ما نباید نان‌وبنشینی برای خود و زن‌وبچه‌هایمان فراهم کنیم. خسته شدیم از بس که اعتراض کردیم و جواب نگرفتیم، و متعجب هستیم که چرا هنوز برخی از همکاران عزیز همچنان پتک بر آهن سرد می‌کوبند.

ما امروز به این نتیجه رسیدیم که تنها چاره کار سازماندهی مخفی و متشکل است که می‌تواند ما را به‌سرمنزل مقصود برساند. فهمیدیم سرمنزل مقصود ما زمانی به‌چنگ می‌آید که اکثریت جامعه یعنی کارگران، زنان، دانشجویان و افسار کم‌درآمد مانند معلم‌ها، کارمندهای دون‌پایه دولت و بازنشستگان در صف متحدی قدرت را به‌دست خودشان بگیرند. فهمیدیم که باید کارگران برنامه داشته باشند. برخلاف نظر برخی از همکاران که می‌گویند کارگر را چه به این حرف‌ها! ما در سیاست مداخله نمی‌کنیم؛ نان خودمان را می‌خوریم و با همین چندرغاز ادامه می‌دهیم، چون بالاخره بهتر از هیچ چیز است. مشت را چه‌کار به مقابله با درفش؟ می‌گوئیم عزیزان ما چه‌خواهیم و چه‌نخواهیم درگیر سیاست هستیم. همین‌که در اعتراض به‌ستم پیمان‌کار به خیابان می‌آئیم و دولت سپاه و ارتش به‌سراغ ما می‌فرستد، یعنی وارد یک مبارزه سیاسی شدیم. مگر ما چه خواسته‌ای داریم؟ مگر غیر از این است که می‌گوئیم این دستمزد کفاف زندگی ما را نمی‌دهد؟ آیا این یک خواسته سیاسی‌ست؟ البته که نیست. اما وقتی به‌ما حمله می‌کنند و نشان می‌دهند که حتی برای کسب همین خواسته ما چاره‌ای به‌جز گرفتن قدرت از دست این‌ها نداریم، این اعتراض ساده صنفی تبدیل به‌یک مبارزه سیاسی می‌شود.

عزیزان خودمان را دست کم نگیریم. چرا کارگرها نمی‌توانند برنامه خودشان را داشته باشند. ما هم دانش فنی داریم و هم مهارت عملی. چه‌کسی بهتر از من کارگر نیازها و امکانات کارخانه خود را می‌شناسد. آن‌جا هم که کم آوردیم حقوق می‌دهیم و متخصص استخدام می‌کنیم. مگر همین امروز صاحب‌کاره و سروایه‌دارها همین کار را نمی‌کنند؟ فقط فرقی این است که آن‌جا خودمان کنترل و نظارت این متخصص‌ها را داریم و نمی‌گذاریم سوار ما بشوند. ما فقط باید خودمان را باور داشته باشیم و قدم در راه این‌کار بگذاریم. شکی نیست که این راه دشوار است و موانع بسیار عظیم، اما استمرار یک‌انباریکه می‌تواند عظیم‌ترین صخره‌ها را سوراخ کرده و راه خودش را باز کند؛ همان‌طور که برادران ما صدسال پیش این‌کار را شروع کردند تا ما امروز از مواهب آن بهره‌مند شویم. ما هم باید قدم در راهی بگذاریم که فردا شرمنده فرزندان خودمان نباشیم.

کارگران یک‌بار در سال ۵۷ ق‌د علم کردند و همان اعتصاب شکوهمند نفتی‌ها نشان داد که کارگران چه قدرت عظیمی هستند، اما توهم و ندانم‌کاری ما و آمادگی و برنامه‌یزی دشمن دوباره در را بر همان پاشنه قدیم چرخاند و امروز ۴۵ سال است که ما و همه ملت ایران داریم بهای آن اشتباه و ندانم‌کاری‌های خودمان را می‌دهیم.

در نتیجه یکی از مهمترین وظایفی که هسته پیش‌تاز کارگران سوسیالیست نفت فلات‌قاره برای خودش قائل است، اشاعه اطلاعات و افزایش آگاهی از طریق طرح شعارهای انتقالی‌ست. شعارهای انتقالی ما را یک‌قدم به‌جلو می‌برد و در عمل به همکاران نشان می‌دهد که دولت و صاحب‌کارها نمی‌خواهند مطالبات ما کارگران را پاسخ بدهند، نمی‌خواهند، و هرگز نخواسته‌اند، و نخواهند خواست. به یک کلام این شعارها ثابت می‌کند که تغییر تنها توسط ما کارگران ممکن خواهد بود، و برای تحقق این تغییر هم ما چاره دیگری به‌جز سازمان‌دهی مخفی و گسترش تشکیلات مستقل کارگری نداریم. ما درباره این شعارها در بولتن‌های آینده که تلاش می‌کنیم به‌صورت منظم انتشار پیدا کند بیش‌تر صحبت خواهیم کرد.

ما معتقدیم هر انسانی بالاخره روزی این دنیا را می‌گذارد و می‌رود؛ چه بهتر که با شرف آن‌را ترک کنیم. حکیمی گفته وحشت مرگ سخت است، اما با وحشت این مرگ، زندگی‌کردن هرروزه بسیار دشوارتر است. ما می‌توانیم در جمعیت خود با این وحشت مبارزه کنیم. شرف کارگری نان به‌دیو‌زگی خوردن را نمی‌پذیرد.

ما حرکتی را آغاز کردیم، اما دست یاری ما به‌سوی شما دراز است؛ چون شما هستید که این حرکت را به‌پیش می‌برید. ما معتقدیم تنها تشکیلات مستقل کارگران است که می‌تواند پاسخ‌گوی نیازهای ما باشد و این تشکیلات به‌یاری شما شکل می‌گیرد. ایمیل ما دز زیر آمده است. با ما تماس بگیرید؛ به‌هر شیوه که صلاح می‌دانید. نیازی به ذکر نام و یا مشخصاتی دیگر نیست. فراموش نکنیم در شرایط وحشتناک و پلیسی‌فعلی، حفظ سلامت و امنیت همه ما مهم‌ترین اصل مبارزه است. اگر ما نباشیم مبارزه‌ای نیز نخواهد بود.

از این پس ما از طریق انتشار مرتب بولتن کارگری مسایل و راه‌حل‌ها مبارزاتی و مطالبات را در اختیار کارگران شریف نفت فلات قاره قرار می‌دهیم.

به‌امید موفقیت.

- پیش به‌سوی ساختن هسته‌های مخفی کارگران پیشتاز سوسیالیست!
- پیش به‌سوی اتحاد کارگران پیشتاز بر محور یک برنامه اقدام کارگری!
- پیش به‌سوی اتحاد عمل سراسری کارگران و تشکیل ستاد رهبری کارگری!
- پیش به‌سوی برقراری حکومت کارگری و جامعه آزاد سوسیالیستی!

۱۰ اردیبهشت ۱۴۰۳

«هسته کارگران پیشتاز سوسیالیست نفت فلات‌قاره»

با ایمیل زیر با ما مکاتبه کنید:

**workersvanguardcore@gmail.com**

نشانی اینستاگرام:

**<https://www.instagram.com/p/C6Q0kPBMsC0/>**